

## آموزش فا در جلسه‌ای درباره‌ آهنگسازی

(لی هنگجی - ۲۱ ژوئیه ۲۰۰۳ - واشنگتن دی سی)

اکثر مریدان دافای ما با استفاده از استعدادهای خود و آنچه که یاد گرفته‌اند در حال اعتباربخشی به دافا و پیمودن مسیر خودشان در تزکیه هستند. همه طبقات اجتماعی و حرفه‌های مختلف در اجتماع بشری می‌توانند در نقش مکان و موقعیتی برای تزکیه عمل کنند و تحت آزار و شکنجه، در نقش مکان و موقعیتی برای روشن کردن حقیقت و نجات موجودات ذی‌شعوری عمل کنند که به وسیله حزب پلید در مسیرهای اهریمنی هدایت شده‌اند. اگر درحالی که از طرف شیطان تحت فشار قرار گرفته‌اید بتوانید افکار درست و اعمال درست را حفظ کنید، این اعتباربخشی به فا و اثبات خودتان است. آنهایی که مهارت‌های خاصی در هنر دارند، ممکن است به مسیری در اعتباربخشی به فا نور بتابانند. امروز اینجا شاگردانی داریم که قدم پیش‌نگذاشته‌اند و آمده‌اند تا در این کنفرانس فا شرکت کنند و این عالی است. طبیعتاً افرادی نیز هستند که تحت فشار شرایط، پشت سر جا مانده‌اند. اینکه به آن پی ببرید و از نو شروع کنید، نشانه‌ای از مسئول بودن نسبت به خودتان است.

بسیاری از شاگردان ما از میان فاجعه عظیم انقلاب فرهنگی نگذشته‌اند، چراکه در آن زمان خیلی کم سن و سال بودند. از این رو در میان آزار و شکنجه فعلی مریدان دافا و در مواجهه با این فشار شرایط اهریمنی و خشن، از نظر روانی ضربه خورده‌اند. هرگز از میان چنین چیزی نگذشته بودند و ناگهان شرایط طاقت‌فرسایی مانند این بر آنها تحمیل شد و تأثیر روانی عظیمی بر آنها گذاشت. با وجود چنین سرکوب و فشاری - که تمام ظرفیت کشور را برای دروغ، افترا و پاپوش به کار می‌گیرد و از هر ابزار استبداد و هر وسیله شایعه‌پراکنی در انبار حزب اهریمنی استفاده می‌کند - واقعاً شاگردان جدیدی بودند که هرگز از میان چنین چیزی نگذشته بودند و شاگردانی که درخصوص مطالعه فا کوشا نبودند و در آن زمان نمی‌دانستند چه کاری باید انجام دهند. برخی حتی کاملاً بدبین شدند و بعد افرادی نیز بودند که خود را در میان مردم عادی کاملاً غرق کردند. و از آنجا که تعداد افرادی که دافا را برگزیده بودند بسیار زیاد بود، شاگردانی که در آن زمان این‌گونه بودند تعدادشان کم نبود. اما برای اکثریت مریدان دافا، در طول دوره فراگیری فا، دافا در وجودشان ریشه کرده بود و اگر واقعاً از آنها خواسته می‌شد که دافا را رها کنند، فکر می‌کنم با توجه به اینکه فا را کسب کرده بودند، احساس می‌کردند برای‌شان به منزله این است که امید را از دست بدهند، آینده‌ای نداشته باشند، و در نتیجه آنها واقعاً نمی‌توانستند خود را از دافا جدا کنند. درخصوص شاگردانی که بدبین شدند، در واقع آن، سردرگمی زودگذری بود، گرچه برخی نیز بودند که بسیار سردرگم شدند. (استاد می‌خندند) اما هر چه باشد، تا وقتی که بتوانید به آن پی ببرید و برگردید، خوب است. هر شرایطی که باشد، هنوز آزار و شکنجه به پایان نرسیده و هنوز فرصت‌هایی برای برگشت به مسیر تزکیه و انجام کارهای مقرر شده برای مریدان دافا وجود دارد. آنگاه آن صرفاً به‌عنوان آزمایشی در تزکیه به حساب خواهد آمد که به‌خوبی نگذرانید، و فقط باید مسیر پیش رو را به‌خوبی ببینید. شما در گذشته خوب عمل نکردید، اما نگران نباشید. در واقع به‌خاطر این بود که مطالعه فا را جدی نگرفتید و به‌خاطر این بود که در میان مردم عادی تزکیه می‌کنید و از این رو، تحت چنین شرایطی، وابستگی ترس باعث می‌شود سقوط کنید و از شرایط تزکیه مریدان دافا عقب بمانید و در طول زمان مطمئناً در درک‌تان از فا شکافی دارید. اما نگران نباشید، چراکه می‌توانید از طریق مطالعه فا به تدریج جبران کنید و برسید. درخصوص سایر شاگردان ما، باید به این نوع شاگردی [که الان توصیف کردم] کمک کنید. آنها را درک کنید. همگی شما، تا وقتی که در زمره مریدان دافا به حساب می‌آیید، باید با همدیگر کار کنید و به یکدیگر کمک کنید.

الزامی در تزکیه مریدان دافا وجود دارد، اینکه، باید موجودات ذی‌شعور را نجات دهید و به فا اعتبار ببخشید. از زمانی که آزار و شکنجه شروع شده، در کل خیلی خوب عمل کردید. هر شخصی از کاری که در آن مهارت دارد و آنچه یاد گرفته استفاده

کرده تا به دافا اعتبار ببخشد و این شامل استفاده از ابزار فرهنگ نیز می‌شود. البته، وقتی نوبت به استفاده از هنر می‌رسد، اگر بخواهید به نتایج خوبی دست یابید، باید در تولید موسیقی یا رقص هنری تان خوب عمل کنید. بله، اگر دربارهٔ موسیقی و رقص صحبت کنیم، باید شاگردانی با استعدادهای خاصی در این زمینه داشته باشیم. پس بیایید ببینیم آیا می‌توانیم تعدادی بیابیم. در واقع چنین افراد با استعدادی داریم. بگذارید حالا به موضوع خلق [موسیقی و رقص] برگردیم.

اگر بخواهید موسیقی خوبی بسازید و کارهای خوب هنرهای نمایشی را کنار هم قرار دهید، واقعاً باید همفکری کنید و به ایده‌هایی دست یابید. بهبود کیفیت اجراهای تان، شامل اجراهایی برای تلویزیون، تلاش جمعی شما را نیاز دارد. در حال حاضر به نظر می‌رسد تعداد چنین افراد با استعدادی در میان شاگردان مان خارج از سرزمین اصلی چین بسیار کم است. در میان شاگردان داخل سرزمین اصلی چین، افرادی با هر گونه استعداد وجود دارند، و هر تعداد گروه اجرا که می‌خواستید داشته باشید مشکلی نمی‌بود. اما انجام چنین کاری خارج از سرزمین اصلی چین نسبتاً مشکل است. بنابراین باید برای این مسئله راه‌حلی بیندیشید. خودم یک ایده‌ای داشتم. دیده‌اید که برنامه‌های تلویزیونی سلسلهٔ تانگ جدید چگونه بیشتر و بیشتر در مسیر درست خود قرار می‌گیرد، اما در بسیاری از زمینه‌ها هنوز بهبودهایی باید صورت گیرد. موسیقی و برنامه‌های نمایشی آن هنوز به آن حد غنی نیستند. نمی‌خواهید بینندگان تان احساس کنند که برنامه‌های تلویزیونی تان خسته‌کننده است. بنابراین باید به راهی بیندیشید که برنامه‌های تلویزیونی تان بینندگان بیشتری را جذب کنند. اگر قرار است در روشنگری حقیقت بهتر عمل کنید، باید بینندگان بسیار زیادی داشته باشید و این بدین معنی است که باید مطابق سلیقهٔ عموم مردم باشید. فقط بدین شکل می‌توانید به‌طور مؤثرتری حقیقت را روشن کنید. به همین دلیل باید به راهی بیندیشید و با همدیگر به خوبی کار کنید. بنابراین این به شما مربوط است که پی ببرید چگونه به بیشترین تأثیر ممکن برسید، یعنی، خواه هر یک از نمایش‌های تان باشد یا هر یک از برنامه‌های تلویزیونی تان، محتوای کارتان را غنی‌تر و سطح آن را بالاتر سازید. بیایید اینجا بنشینیم و کمی صحبت و گفتگو کنیم. هر کسی که ایدهٔ خوبی دارد، آن را مطرح کند. می‌توانیم درباره‌اش صحبت کنیم و ببینیم چگونه آن می‌تواند به انجام برسد.

در حال حاضر چالش‌های بسیاری وجود دارد. یکی بودجه است، و دیگری داشتن تعداد کمی افراد با استعدادهای خاص است - به‌ویژه آنهایی که به‌طور حرفه‌ای آموزش دیده‌اند خیلی کم هستند. این‌ها بنیادی‌ترین چالش‌های ما هستند و سخت‌ترین چیز هستند. اما از دید من، هر چه باشد شما مرید دافا هستید و وقتی نوبت به اعتباربخشی به فا و نجات موجودات ذی‌شعور می‌رسد، تا وقتی که سخت تلاش می‌کنید، هر اندازه که در توان تان هست، انجام دهید. از آنجا که ابزارهای ما محدود هستند، فکر می‌کنم باید ببینیم آیا می‌توانیم از آنچه داریم بهترین نتیجه را بگیریم.

ایدهٔ دیگری دارم. آیا این ایستگاه تلویزیونی امسال می‌تواند یک رویداد سال جدید تولید کند؟ با فرا رسیدن سال جدید برنامه‌های تلویزیونی چینی در امریکای شمالی یا هر جایی در سراسر دنیا، فاقد حسی از سال جدید است. و این مخصوصاً برای نمایش‌های سال جدید در تلویزیون سرزمین اصلی چین این‌گونه است. بسیاری از افراد آن را «تلویزیون فاجعه» می‌نامند. با آن فرهنگ خشک حزبی و آن قالب‌های کلیشه‌ای، [آن نمایش‌ها] همگی به‌طور مسخره‌ای حزب شیطان را برای «بزرگ، باشکوه و صحیح» بودن تحسین می‌کنند. آن «وضعیت عالی مسائل» که ده‌ها سال مدام سر هم کرده‌اند به این منظور بود که به‌طور ناشیانه‌ای مردم چین را فریب دهند. پس این بار که برنامه‌ای فرهنگی می‌سازید که عاری از فرهنگ حزب و عاری از شوخی‌های بی‌نزاکت و مستهجن است - برنامه‌ای که به‌طور واقعی متعلق به بشریت است چطور؟ حداقل اینکه می‌توانید به مخاطبان اصلی تلویزیون سلسلهٔ تانگ جدید نمایشی را ارائه کنید که دیدن آن راضی‌کننده‌تر باشد و این به برنامه‌سازی کلی این ایستگاه کمک خواهد کرد. گرچه افراد با استعدادی که در دسترس باشند الان کم هستند، اما این‌گونه نیست که هیچ ظرفیتی نداشته باشیم. در حقیقت دیده‌ام که برخی از نمایش‌هایی که تولید کرده‌اید خیلی خوب هستند. آنچه اکنون بیش از همه کمبودش احساس می‌شود، افرادی هستند که بتوانند آهنگسازی کنند و تنظیم آن را انجام دهند؛ موسیقی‌ای که برخی از اجراهای تان را همراهی می‌کنند، کمی ساده و معمولی هستند. اما در واقع افرادی را داریم که می‌توانند این کار را انجام دهند. صرفاً موضوع این است که کاری کنیم مریدان دافایی که چنین توانایی‌هایی دارند ملحق شوند و نقش خود را ایفا کنند.

آنها مسائل اصلی هستند. بیایید با همدیگر این موضوعات را مورد بحث قرار داده و بهتر کنیم. درواقع، درخصوص این کارهای عینی، شما باید خودتان آنها را انجام دهید. این کارهایی [که درباره‌شان صحبت کردم] واقعاً کمی خاص هستند و به‌طور معمول عادت دارم درباره‌ مسائل خاص صحبت نکنم. هر جا که مریدان دافا جلسه‌ای برگزار می‌کنند می‌خواهند استاد بیاید و کمی صحبت کند، و این بار، درخصوص نور افکندن به مسیری در حوزه هنر برای تزکیه، نجات موجودات ذی‌شعور و اعتباربخشی به دافا است، از این رو موافقت کردم که کمی صحبت کنم تا به همگی شما کمک کند در اهمیت کارهایی که در اعتباربخشی به دافا انجام می‌دهید روشن‌تر باشید. درواقع، در این دوره اخیر خیلی خوب عمل کرده‌اید، اما باید کارها را در مقیاس وسیع‌تری انجام دهیم. باید بتوانید با همدیگر بهتر کار کنید؛ نقاط قوت‌تان باید بیشتر شود؛ و محتوای کارهایی که خلق می‌کنید بتواند از هر نظر بهبود یابد. از این رو این چیزی است که فکر می‌کنم باید روی دهد. قبل از اینکه بیایم، جلسه‌تان شروع شده بود، پس بیایید آن را ادامه دهیم. (استاد می‌خندند)

مرید می‌پرسد: استاد، آیا می‌توانم درخصوص موضوعی راهنمایی بخواهم؟

**معلم:** بگویید.

مرید می‌پرسد: دوستی قدیمی دارم که اړهو و پیانو می‌نوازد و آهنگسازی نیز می‌کند. او را به‌خوبی می‌شناسم و می‌توانم بگویم که او اوضاع فعلی چین را دوست ندارد. مايلم او را دعوت کنم که [از چین] بیاید، و اولین کاری که پس از ترک آن مکان انجام می‌دهم این است که حقیقت را برای او روشن کنم.

**معلم:** درواقع، مدتی قبل درباره‌ این ایده‌ای که مطرح کردید، فکری داشتم. شاگردان در سرزمین اصلی چین می‌توانند هر تعداد که لازم باشد گروه نمایشی راه‌اندازی کنند و برای ایجاد گروه‌هایی بزرگ مشکلی نیست؛ حتی یک ارکستر سمفونی بسیار بزرگ می‌توانست شکل بگیرد. اما خارج از چین آن شرایط مهیا نیست. بسیار خوب، یک ایده صرفاً یک ایده است و اینکه عملی باشد که او را دعوت کنید، چیزی است که باید درباره‌ آن به‌خوبی فکر کنید. و پس از آمدن به اینجا نقشی که قادر خواهد بود ایفا کند باید واقع‌گرایانه باشد. البته وقتی حقیقت به او معرفی شود، موضعی که نسبت به فالون گونگ اختیار می‌کند مسئله‌ای نخواهد بود. فقط می‌توانم بگویم سعی کنید و ببینید.

مرید می‌پرسد: فکر می‌کنم درخصوص آهنگسازی کمبود استعداد داریم.

**معلم:** درخصوص آهنگسازی، درواقع تعداد قابل‌توجهی درمیان شما هستند [که می‌توانند] و ممکن است افراد بیشتری نیز وجود داشته باشند که امروز اینجا نیستند. همان‌طور که می‌بینم، درحال حاضر آهنگسازی درواقع مشکلی بزرگ نیست. اینکه چگونه آن را برنامه‌ریزی کرد و ترتیب داد چالش به‌حساب می‌آید.

مرید می‌پرسد: در بین مردم عادی افراد زیادی هستند که استعداد برجسته‌ای درخصوص آهنگسازی دارند. آیا می‌توانیم از آنها دعوت کنیم تا به ما کمک کنند؟

**معلم:** این یک ایده است و می‌توانید سعی کنید و ببینید.

مرید می‌پرسد: امروز که اینجا در مقابل استاد نشسته‌ام بسیار احساس شرمساری می‌کنم. دیروز در کنفرانس فا مثل باران اشک می‌ریختم، زیرا قبلاً در آهنگسازی و تنظیم موسیقی متخصص بودم، اما هنوز تحت این آزار و شکنجه قدم پیش نگذاشته‌ام. در تمام این مدت ثابت‌قدم نبودم و در تمام این مدت قادر نبوده‌ام چمدان خود را رها کنم. از استاد طلب بخشش می‌کنم. از امروز به بعد در کارها شرکت می‌کنم، از امروز به بعد به‌طور واقعی قدم پیش می‌گذارم. (تشویق) برای کنسرت بزرگ

تانگ ایده‌ای دارم. در انگلستان افرادی هستند که در پژوهش در خصوص موسیقی تانگ باستان تخصص دارند و برای برخی آهنگ‌های تانگ نت‌هایی نوشته‌اند. فکر می‌کنم که برای بخش کلاسیک [کنسرت] می‌توانیم نت‌هایی بر اساس موسیقی تانگ بنویسیم.

**معلم:** ممکن است تعجب کنید که چرا همیشه درباره فرهنگ سلسله تانگ صحبت می‌کنم. فرهنگ تانگ فرهنگ واقعی بشر است و نقطه اوج است. خواه صنایع دستی باشد یا فرهنگی که مردم داشتند، همگی در نهایت بلندی بودند. چیزها بعد از تانگ رو به افول گذاشتند. البته، دیده‌اید که برخی از چیزها در دوره‌های مینگ و چینگ نسبتاً خوب بودند، اما در واقع به چیزهای پیش پا افتاده تبدیل شده بودند و ادیبان و صنعتگران همگی توجه‌شان را بر جزئیات بی‌اهمیت متمرکز کرده بودند. ذهن‌شان خیلی محدود شده بود- بیش از حد جزئی‌گرا- و دیگر فضای وسیع و مهارت‌های ظریف و زیبای دوران تانگ را نداشتند. اما هر دوره‌ای که باشد، در خلق هنرهای نمایشی تان می‌توانید از [چیزها در آن دوره‌ها] اقتباس کنید. اما، باید مطمئن باشید که آن، ویژگی‌های فرهنگی که خود دافا قرار است به بشریت بدهد را تلفیق کند و به مسیر درستی که مریدان دافا شروع کردند و برای بشریت به جای می‌گذارند نوراشاری کند. این گونه نیست که باید هر چیزی از دوران تانگ به تنهایی را کپی کنید. می‌توانید از فرهنگی که باستانیان سلسله تانگ یا هر سلسله‌ای داشتند اقتباس کنید و در خصوص موسیقی، می‌توانید حالت و اصالت و سبک آن را زمینه اصلی خود سازید و چیزهایی را خلق کنید که اکثر ویژگی‌های مردم چین را می‌سازند.

مرید می‌پرسد: درود استاد! هنگام صداگذاری موسیقی پس‌زمینه احساس غیرقابل توضیحی را تجربه می‌کنم؛ برای مثال، وقتی با موسیقی کودکان سر و کار دارم، اغلب حظ می‌کنم. دو آهنگ نوشته‌ام که حس جاز دارند و نمی‌دانم آیا این کار خوب است که انجام دهم یا خیر؟

**معلم:** موسیقی معاصر یا موسیقی باستان، هر موردی که باشد، باید بر مبنای درک خود به‌عنوان مرید دافا، مسیر خود را بیمایید. و چرا آن را این‌گونه بیان می‌کنم؟ زیرا هر فردی در این دنیا، هر قدر هم که توانایی‌هایش بزرگ باشد، هر قدر هم که هدیه‌های طبیعی‌اش بزرگ باشد، اگر از او می‌خواستید که مسیری را بیمایید که خالص و پاک باشد، او نمی‌توانست. صرفاً تکنیک عالی داشتن یا ماهر بودن در یک مهارت، آن را انجام نمی‌دهد. مریدان دافا در روند پاک‌سازی تزکیه خود و اعتباربخشی به فا بسیار خالص شده‌اند و قلمروی ذهن‌شان یا روشی که به مسائل می‌نگرند متفاوت [از مردم عادی] است. و به همین دلیل است که قادر هستید آن را انجام دهید، و قادر هستید مردم «مدرن» را به‌طور واقعی به مسیری هدایت کنید که واقعاً برای انسان‌ها است، بنابراین می‌توانید چنین تفاوتی را ایجاد کنید و چنین بنیانی را برای بشریت بنا نهید. همان‌طور که گفته‌ام، به‌نظر می‌رسد ایستگاه تلویزیونی که آن را اداره می‌کنید، روزنامه و ایستگاه رادیویی تان و غیره، همگی با چالش‌های زیادی روبرو هستند. اما آن چالش‌ها همگی به آرامی حل و فصل خواهند شد. مسئله مهم این است که شکل خوبی از فرهنگ را به بشریت ارائه دهیم. خواهید دید که مردم آینده، از هر جنبه، از هر کاری که مریدان دافا در حال انجام آن هستند پیروی خواهند کرد و بعداً فرهنگ اصلی نژاد آینده بشر خواهد شد. بنابراین آنچه حیاتی است این است که آیا امروز قادر هستید چیزهای خوبی تولید کنید یا خیر. اگر بتوانید این چیزهای ضروری را بنیان گذارید، مردم آینده آنها را مطالعه خواهند کرد و از این‌رو آنچه انجام می‌دهید و آنچه تولید می‌کنید، بی‌نهایت مهم هستند. عادی، باستان، مدرن - اگر آن چیزی باشد که نیاز داشته باشیم، می‌توانیم از آن اقتباس کنیم. اما، قطعاً باید چیزهای درست را خلق کنید. باید با حسی از مسئولیت نسبت به مردم رفتار کنید. (استاد می‌خندند) آسوده باشید- این را نمی‌گویم که باید در کارهایی که انجام می‌دهید اوقات بسیار سختی داشته باشید. در واقع، چیزهایی که به‌طور طبیعی تولید می‌کنید هم‌اکنون نیز از آن کارهای مردم عادی متفاوت هستند و اگر مهارت‌های تان را به حساب بیاوریم آن چیزها واقعاً متوسط نیستند.

همان‌طور که لحظه‌ای پیش گفتم، خواه موسیقی تانگ باشد، موسیقی معاصر یا هر چه باشد، اگر بتوانید از عهده این برآید که وقتی کارهای خودتان را تولید می‌کنید نقاط قوت این چیزها را تلفیق کنید، تضمین می‌شود از کارهای مردم عادی

متفاوت باشد. زیرا قلمروی شما و مفهوم ژرف‌تری که دارید، مطمئن می‌سازد که معنای درونی آهنگی که خلق می‌کنید متفاوت باشد. اما یک نکته وجود دارد. اگر بتوانید راهی پیدا کنید تا [مفاهیم] بنیادین خود موسیقی را حتی بهتر سازید، و آن را به‌خوبی انجام دهید، آنگاه واقعاً مسیر درستی را برگزیده‌اید.

مرید می‌پرسد: استاد، من کسی هستم که آموزش‌های موسیقی غربی را دریافت کرده‌ام، گرچه الان اغلب با موسیقی چینی سر و کار دارم. درباره تلفیق موسیقی غربی و موسیقی چینی چگونه فکر می‌کنید؟

**معلم:** در انجام این کار به‌خودی خود مشکلی وجود ندارد و می‌توانید از هر یک از آنها اقتباس کنید. نکته کلیدی این است که به یک مسیر نور بتابانید. برای مثال، موضوع تنظیم موسیقی را در نظر بگیرید. در چین باستان تنظیم موسیقی چیزی نبود که همگی به آن پایبند باشند. در گذشته، اصولاً شکلی از هم‌نوازی را اتخاذ کردند و اکثراً آلات مختلفی داشتند که قسمت‌های اصلی را می‌نواختند یا تکنوازی می‌کردند. از این‌رو به تنظیم موسیقی توجه زیادی نداشتند. مفهوم تنظیم موسیقی که امروزه داریم در واقع از فرهنگ موسیقی غربی می‌آید و به‌طور اساسی چیزی است که خدایان به انسان ارائه دادند. یکی از بهترین چیزهای این دوره تمدن بشری است و برای بشریت، خوبی به ارمغان می‌آورد.

مرید می‌پرسد: استاد، تفاوت بین موسیقی کلاسیک چینی و موسیقی کلاسیک غربی عظیم است. چه نوع تفاوتی بین آنها در آسمان‌ها وجود دارد؟

**معلم:** قبل از رنسانس آلات موسیقی و خود موسیقی در غرب بسیار ساده بود. پس از رنسانس، موسیقی غربی به تدریج به اوج خود نزدیک شد و هنرهای فرهنگ بشری در هیچ زمانی چنین پیشرفت عظیمی نداشت. تفاوت و تمایز بین آن دوره و هنرهای فرهنگی‌ای که انسان در زمان‌های پیش داشت خیلی زیاد است. حالا، موسیقی در آسمان‌ها را ذکر کردید. البته، تنوع موسیقی آنجا زیاد است و آنها از ویژگی‌های متفاوتی شکل می‌گیرند که حالات هستی موجودات مختلف آنجا را نشان می‌دهند. موسیقی غربی امروزه، خواه استفاده از تنظیم و آلات موسیقی باشد یا مهارت ظرفیت آلات آن باشد، تئوری موسیقی کلی آن، به شکل سیستم جامعی از موسیقی توسعه یافته است که در مقایسه با موسیقی‌ای که بشریت در ابتدا داشت به‌عنوان یک موضوع پیچیده و دشوار برای مطالعه به حساب می‌آید. اینجا در سطح بشری، موسیقی غربی می‌تواند به‌عنوان یک سیستم کامل دیده شود، چیزی که خدایان هدفمندانه در دوران اخیر به انسان منتقل کردند. موسیقی آسیایی نوعی از فرهنگ طبیعی است که خدایان در طول بنیان نهادن تاریخ فرهنگی بزرگتر بشریت به‌طور پیوسته به انسان منتقل می‌کردند. بنابراین این مغایرت صرفاً تفاوتی از دو فرهنگ شرق و غرب نیست، چراکه این‌ها چیزهایی هستند که از سیستم‌های کیهانی متعدد منتقل شدند و در سایر سیستم‌های کیهانی بسیار متعدد، آن سیستم‌ها هر یک چیزهای منحصر به فرد خود را دارند و آنها بی‌نهایت نظام‌مند، بی‌نهایت مقدس و اسرارآمیز هستند. بنابراین آنچه اینجا داریم چیزی است که خدایان به انسان منتقل کردند، چیزی است که با استفاده از ابزارهای انسان می‌تواند بیان شود. و این شامل هنرهای نمایشی و نقاشی می‌شود. انسان فقط از نقاشی رنگ و روغن، نقاشی چینی سنتی و غیره آگاهی دارد، در حالی که در حقیقت این‌ها صرفاً ویژگی‌های فرهنگ‌های پایین‌ترین موجودات سیستم‌های متعددی هستند که خدایان سیستم‌های گوناگون منتقل کردند. به عبارت دیگر، نژاد زرد، متناظر با خدایانی در سطوح مختلف یک سیستم بدن کیهانی هستند، تمام مسیر تا بالاترین خدا، و در آن سیستم حالتی وجود دارد که ویژگی‌های خود آن سیستم در آن حالت وجود دارد. همین برای سفیدها نیز صدق می‌کند: آنها سیستم کیهانی متناظر خود را دارند. و در هر یک از چنین سیستمی ویژگی‌ها و راه‌های هستی موجودات مختلف یک کیهان مشخصی وجود دارد، که وقتی در دنیای بشری بیان می‌شود، به‌صورت ویژگی‌های فرهنگ‌های مختلف نژادهای مختلف متجلی می‌شود. به همین دلیل، تفاوت‌هایی در آلات موسیقی‌شان و خصوصیت و سبک موسیقی‌شان وجود دارد. اما، سیستم موسیقی‌ای که در دوران اخیر در غرب وجود دارد، شامل آلات آن، در واقع چیزی نیست که در اصل در پادشاهان آسمانی خدایان نژاد سفید یافت شود. آن متعلق به سیستم کیهانی موجودات بسیار

دور است، و منحصرأً به اجتماع غربی منتقل شد؛ آن برای فا اینجا آورده شد. فرهنگ بشری در طول دوره زمانی طولانی، برای اصلاح فا، برای این سطح از موجودات، چیزی بی نهایت غنی را پرورش داد.

مرید می پرسد: درود استاد! من دانشجویی هستم که رشته اصلی ام جاز است. (افراد آرام می خندند) گاهی اوقات نمی دانم آیا این کاری است که می توانم انجام دهم یا خیر؟

**معلم:** من این گونه فکر می کنم. در حال حاضر، این صحنه ای است که مریدان دافا در میان اعتباربخشی به فا تزکیه می کنند و زمانی نیست که فا، دنیای بشری را تزکیه می کند. بنابراین، از آنجا که در اجتماع بشری عادی در حال تزکیه هستید، مجبورید بخورید، که بدین معنی است که مجبورید شغلی داشته باشید. برخی حرفه ها کاملاً مناسب نیستند، درست است، اما چه کاری می توانید انجام دهید؟ آنچه می گویم این است که، برای شما اشکالی ندارد که وقتی نوبت به پرداختن به کارتان می رسد، تا حد امکان مطابق با وضعیت امور در اجتماع مردم عادی باشید. بسیاری از چیزها در اجتماع بشری در حقیقت خوب نیستند، اما در این مرحله، اجتماع بشری عادی صرفاً این گونه است و مردم دنیا همگی آن را می پذیرند. اجتماع این گونه است. قبل از اینکه فا دنیای بشری را اصلاح کند، بشریت این گونه خواهد بود، بنابراین در حال حاضر به همین صورتی که هست می گذاریم باشد. از این رو می توانید مثل سابق به کارتان بپردازید. اما، همان طور که به تزکیه می پردازید باید در خصوص اینکه چه چیزهایی راستین هستند و چه چیزهایی نیستند، روشن باشید. پس شاید بگویید که آن چیزها را مطالعه کرده اید، بسیار خوب، حداقل اینکه دانشی در خصوص تئوری موسیقی و دستاوردهایی در زمینه موسیقی دارید، در آن دانش مهارت پیدا کرده اید. بنابراین، علاوه بر استفاده از بنیان هایی که در زمینه موسیقی دارید، می توانید برای اینکه امرار معاش کنید، آنچه را که یاد گرفته اید در شکل یک شغل و حرفه به کار ببرید و اگر نهایت سعی تان را بکنید اشکالی ندارد. همزمان می توانید چیزهای استانداردتر و سنتی تر تولید کنید و اگر شرایط اجازه دهد، می توانید شکل های دیگر استانداردتر موسیقی را بررسی کنید، می توانید انتخاب کنید که چیزهایی را مطالعه کنید که راستین در نظر می گیرید - این کاری است که می توانید انجام دهید. در حقیقت، هر چه که مطالعه می کنید، اینکه نت ها چگونه بیان می شوند صرفاً موضوعی از سبک است، در حالی که دانش تئوری موسیقی که باید درک شود یکسان است.

مرید می پرسد: از زمانی که تیم موسیقی شکل گرفت، خواه در خصوص تنظیم باشد یا آهنگسازی، در تمام مدت با مانع بزرگی مواجه بودم، یعنی در خصوص چیزهایی که می نویسم یا تنظیم هایی که برای کمک به دیگران انجام می دهم، نقصانی در کیفیت وجود داشته است. اما به نظر می رسد همگی هر چه در توان داشتند را ارائه داده اند و به نظر می رسد همه آنچه را که یاد گرفته ام استفاده کرده ام. واقعاً نمی توانم پی ببرم چگونه از این مانع بگذرم و بیشتر رشد کنم. (افراد می خندند)

**معلم:** اگر از من بپرسید، فکر نمی کنم این الزاماً مشکلی باشد. در واقع، آهنگی را که اجرا کردید شنیده ام. و اگر قرار باشد از کیفیت صحبت کنیم، فکر نمی کنم مشکلی در خصوص پایین بودن کیفیت وجود داشته باشد. آنچه حیاتی است این است که کارهایی که خلق می کنیم سنتی و مورد پسند باشد و اینکه ما به مسیری نور بتابانیم که راستین است. آیا مردم عادی نمی گویند که آهنگ ها باید جالب بوده و دیر فراموش شوند؟ لحظه ای که آن را بخوانید، افراد نزدیک شما باید بخواهند آن را یاد بگیرند و بتوانند همراه با آن نجوا کنند. به عبارت دیگر، این موضوعی از این است که چگونه آن را راستین و نیز مناسب سلیقه مردم می سازید. در حقیقت، خیلی ساده بگوییم، در خصوص این پرسش که کارهایی که مریدان دافا خلق می کنند چگونه است، کیفیت یک مسئله نیست. آنچه مهم است تاباندن نور به مسیرتان است.

مرید می پرسد: از سال ۱۹۴۹ اصولاً چین موسیقی ای نداشته است؛ لحظه ای که یک فرد متوسط دهانش را باز می کند تا آواز بخواند، آنچه از دهانش بیرون می آید تضمین می شود آوازهای حزب و فرهنگ آن هستند و این شامل متن آواز و موسیقی می شود. حالا ما این فرصت را داریم، که با استفاده از قدرت دافا و این زمان مناسب، به طور واقعی پیشگام این حوزه وسیع برای

بشریت باشیم، احساس می‌کنم موسیقی‌ای که درحال حاضر شاگردان ما خلق کرده‌اند در کل گرایش دارند که یک زیبایی ملایمی داشته باشند و بی‌نهایت آرام و متین باشند، اما شاید فاقد احساس شکوه یا عظمت باشند.

**معلم:** از کلمات توصیفی که استفاده کردید، یکی هست که واقعاً خوب گفته شد، و آن «آرام و متین» است. (افراد می‌خندند) مردم در حد افراط پرشور هستند یا به‌طور شدیدی ستیزه‌جو هستند و این‌ها حالات طبیعی در انسان نیستند. چیزی است که در واقع تحت تأثیر سرشت اهریمنی پدید می‌آید. نیکی و پلیدی هر دو در یک فرد وجود دارند، از این‌رو وقتی یک شخص به‌طور خاصی به هیجان درمی‌آید، یا وقتی کردارش فراتر از محدوده‌های عقلانی می‌رود، اکثراً از آن چیزهای موسیقی معاصر می‌آید. وقتی فردی غیرعقلانی باشد و در گیر و دار چیزی باشد، وقتی وحشی شود و منطق خود را از دست بدهد، درواقع باید مرتبط با چیزهایی از جنبه منفی‌اش باشد که بیدار شده است. در مقابل، وقتی فردی در حالتی آرام باشد، او خوب است، و این درواقع وضعیت واقعی یک موجود بشری است. در درون آرامش، بالا و پایین وجود دارد، اما کاملاً عقلانی است و آرام و متین بودن شکوه خودش را دارد، گرچه آن شکوه بر پایه آرام و متین بودن است. (تشویق)

همان‌طور که می‌بینم، شما توانایی‌های بسیاری دارید. نیازی نیست خودتان را با چیزی مقایسه کنید که درحال حاضر استانداردهای «ممتاز» درنظر گرفته می‌شود. در حقیقت، امروزه اکثر آنچه ممتاز درنظر گرفته می‌شود، آن چیزهای معاصر هستند. در حال حاضر چند نفر می‌توانند واقعاً قطعات موسیقی سنتی، شایسته و عالی بسازند؟ آنها همگی مسیر «موسیقی معاصر» را در پیش گرفته‌اند. در دوره اخیر، آوازا در چین همگی محصول فرهنگ حزب هستند، به‌طوری که چیزی باقی نمانده که واقعاً قابل ارائه باشد. اکنون هیچ کسی در چین نمی‌تواند چیزی شبیه آنچه آن آهنگسازان غربی قبل از قرن اخیر خلق کردند به‌وجود بیاورد. البته، غرب نیز نمی‌تواند حالا آن را به‌وجود بیاورد، چراکه هم‌اکنون اوج آن گذشته است و آن چیزهای «معاصر» درهم و برهم، [موسیقی کلاسیک را] تا قعر سرنگون کرده است. اما غرب زمانی آن را داشت، در صورتی که چین نداشت. برخی چیزهای واقعاً خوبی در موسیقی چینی اخیر و باستان بوده است. مینا و ملودی‌های اصلی آنها همگی چیزهایی هستند که وضعیت واقعی انسان را منعکس می‌کنند و اگر کسی می‌خواست [چنین موسیقی‌ای] خلق کند، واقعاً می‌توانست همراه با آن، بعدها وسیع و عظیم را ضبط کرده و بدست آورد؛ فقط این‌طور است که حالا کسی نیست که روی چنین چیزهایی تلاشی صرف کند و توسعه آن به‌شکل یک سیستم را حتی سخت‌تر می‌سازد. البته، با تغییری در سلسله، تغییری در فرهنگ نیز همراه می‌شود و تأثیر ناشی از فرهنگ سلسله جدید، چیزهای سلسله قبلی را پاک می‌کند و از بین می‌برد. آن نیز دلیلی [برای ناپدید شدن چنین موسیقی‌ای] است. بنابراین هیچ راهی نیست که عصاره موسیقی فرهنگ ۵۰۰۰ ساله بتواند تا امروز منتقل شود؛ هیچ کسی در هیچ سلسله‌ای از عهده این بر نیامده که آن را نگه دارد. مدارس نقاشی و موسیقی در غرب تا دو قرن اخیر به‌وجود نیامده بودند. چنین مدرسی، رشته‌های درسی، استانداردها و معیارهایی دارند، و آن افرادی که آنجا مطالعه می‌کنند می‌دانند چه یاد بگیرند و همه افرادی که از آن مدارس فارغ‌التحصیل می‌شوند از میان آموزش‌های استاندارد و نظام‌مندی گذشته‌اند. بنابراین یک سیستم کامل شکل گرفته است. در تاریخ سلسله‌های چین هرگز چیزی شبیه این وجود نداشته است. البته پس از تأسیس جمهوری، افرادی در چین کم‌کم برای این چیزها ارزش قائل شدند. به تدریج شاگردانی پدیدار شدند که پس از مدتی مطالعه در خارج به چین بازگشتند و در برخی از زمینه‌های موسیقی غربی ماهر شده بودند. بنابراین از اواخر سلسله چینگ به بعد، به تدریج افرادی با این استعدادها ظاهر شدند. اما درخصوص اینکه کسی از طریق موسیقی بتواند به‌طور واقعی فرهنگ، عمق یا ذوق مردم چین را نظام‌مند کند یا آن را چیزی شایسته و بخشی از فرهنگ جریان اصلی سازد، هیچ کسی آن کار را انجام نداده است. حزب شور این همه سال هیاهو راه انداخته، با چیزهایی مانند سلسله عملیات «بگذارید یک‌صد گل بشکفد»، اما همه اینها به‌خاطر حکمرانی شیطانی خود بوده است. و در واقع واقعاً هیچ کاری انجام نداده است، چراکه این فرهنگ حزب که هدفش خدمت‌رسانی به استبداد است، خشونت‌آمیز و بسیار سوزان است و هدفش را نابود کردن فرهنگ قومی چین قرار داده است. با حقیقت و ویژگی‌های آرام موجودات بشری تضاد دارد و هیچ حس انسانی ندارد، چه رسد به اینکه چیزی شبیه عمق و ذوق تمدن کلاسیک ۵۰۰۰ ساله چین را داشته باشد. و بنیادی‌ترین چیزهایی که حزب پلید آورده، به‌وسیله اتحاد جماهیر شوروی معرفی شده بودند.

فکر می‌کنم ظاهراً همگی شما آرمان‌های والا و ایده‌های سطح بالایی دارید. اگر هدف‌تان این‌ها است، پس به آن بپردازید و ببینید. از چیزی که می‌توانم بگویم، از تصنیف‌ها و آهنگ‌های مردمی که از قدیم تا کنون در چین منتقل شده، بسیاری از آن چیزها رنگ و بوی سلسله‌های گوناگون را دارند و چیزهایی که این روزها مردم چین خلق می‌کنند نیز عناصری از سلسله‌های گوناگون را دارند و رنگ و بوی شوروی را نیز دارند. در گذشته در زمان شانگهای قدیم، آوازهای معروف بسیار زیادی وجود داشت. گرچه متن سرود برخی از آنها خیلی خوب نبود، اما در آن آوازها، گیرایی غنی و ماندگار چین کلاسیک به‌همراه ضمیر آگاه نیاکان‌مان نیز تلفیق شده بود. بنابراین پایه‌ آن آهنگ‌ها جذابیت ریتمیک سنت‌های چین باستان بود. اگر بتوانید، برپایه آهنگ‌ها و ریتم‌های موسیقی چین باستان، از تکنیک‌ها و شیوه‌های موسیقی غربی استفاده کنید و زیربنا آن باشند- اگر بتوانید این مسیر را نورافشانی کنید- آنگاه آن خارق‌العاده خواهد بود. آنچه می‌گویم برای‌تان روشن است، نه؟ این را می‌پرسم چراکه وقتی به این چیزها می‌رسد متخصص هستید.

مرید می‌پرسد: آلات موسیقی غربی هارمونیک خود را دارد. فکر می‌کنم یک فرد می‌تواند معنای ضمنی پشت این هارمونیک را حس کند. هارمونیک‌های آلات غربی و آلات چینی هر یک مشخصات و ویژگی‌های خاص خود را دارند.

**معلم:** این صرفاً حس به‌خصوص شما است. حالا درخصوص معانی ضمنی، فرهنگ بشری روند تاریخی مشخصی از آن دارد و هر نتي که اجرا می‌شود معانی ضمنی ویژگی‌های خاص آن گروه قومی و نیز احساس‌های فرد در زندگی را دارد. هر قطعه موسیقی حاوی حالتی است که اجراگر قصد انتقال آن را دارد و البته نت‌هایی که استفاده می‌شود باید ارتباطی با بیان معانی درونی داشته باشند و این شامل استفاده از هارمونیک می‌شود. [آنچه توصیف کردید] صرفاً حس خودتان از این چیزها است.

مرید می‌پرسد: من شاگردی از اتریش هستم. ما در اتریش گروهی شکل داده‌ایم که متشکل از چهار نفر است. من پیانو کلاسیک را مطالعه می‌کنم درحالی‌که سه نفر دیگر، جاز اجرا می‌کنند. حالا مشکلی داریم: آنها می‌گویند موسیقی‌ای که تولید می‌کنند خالص است درحالی‌که درواقع هنوز جاز است.

**معلم:** شاید این فکر و تصویری باشد که شکل داده‌اند که فکر می‌کنند آن خالص است. اگر واقعاً هیچ فکر و تصور برخاسته از موسیقی معاصر وجود نداشته باشد که آنها را تحت تأثیر قرار دهد، چیزهایی که خلق می‌کنند قطعاً متفاوت خواهد بود. گرچه باز هم مانند چیزی است که گفتم: اگر آن چیزها را اجرا می‌کنید تا امرار معاش کنید، آنگاه اشکالی ندارد. اما وقتی به تولید واقعی موسیقی برای مریدان دافا می‌رسد، باید به مسیر خود نور بتابانید. و در آن روند مسلماً موضوعاتی درخصوص درک خواهد بود.

مرید می‌پرسد: آنها موسیقی جاز را در مدرسه اجرا می‌کنند. اگر ما در خیابان اجرا کنیم آیا اشکالی ندارد؟

**معلم:** اگر بتوانید واقعاً به مسیری که خوب است نور بتابانید، اجراهای‌تان شنوندگان زیادی را به‌خود جذب می‌کند- مطمئناً. چیزی را که گفتم به یاد داشته باشید: بشریت پیرامون دافا می‌گردد و تک‌تک اعمال مریدان دافا امروز تأثیری بر بشریت دارد. چند روز پیش جلسه‌ای با افرادی که در نقاشی متخصص بودند داشتم و با آنها در این باره صحبت کردم که چرا فرد باید در مسیر هنرهای سنتی برود. قبلاً، وقتی به دنبال محلی برای نمایش بودند و می‌خواستند نمایشگاه هنر برگزار کنند، به‌سختی می‌توانستند یکی پیدا کنند. پس از اینکه توضیح دادم که بشریت باید به مسیر هنر سنتی بازگردد، فرد می‌توانست حس کند که نگرش مردم دنیا تغییر کرده بود، چراکه خدایان می‌خواستند راهی برای فاسازند. اما با این وجود، اگر درخصوص مسائل به‌خوبی عمل نکنید، با موانع مواجه می‌شوید، زیرا هر کاری که مریدان دافا انجام می‌دهند نمی‌تواند از تزکیه جدا باشد. حقیقت این است که بشریت پیرامون دافا می‌گردد. اگر واقعاً آثار خودتان را خلق کنید- خودتان نگاهی بیندازید- همه به آن گوش می‌کنند و آن را می‌بینند، و حتی افراد بسیاری می‌خواهند آن را یاد بگیرند.



میرید می‌پرسد: مایلم از استاد درخواست کنم دربارهٔ مسائل مرتبط با اصول خلق موسیقی صحبت کنند. یکی اینکه، وقتی قطعه‌ای برای ارکستر می‌نویسم، آیا می‌توانم موسیقی دافا، یعنی پودو را به‌عنوان یکی از بندها تلفیق کنم؟ پرسش دوم این است که، وقتی به شکل دادن یک ارکستر می‌رسد، ما کمبود نیروی انسانی داریم و گاهی تعداد کمی از افراد را داریم که روی صحنه اجرا می‌کنند و تأثیر ارکستر کامل را ندارد. آیا می‌توانم موسیقی پس‌زمینه بسازم و سپس همراه با آن، افراد روی آن اجرا کنند؟ پرسش سوم اینکه، در گذشته موسیقی از سایر بعدها را می‌شنیدیم و نمی‌دانم آیا می‌توانم از آن استفاده کنم؟

**معلم:** موضوع کار کردن با همدیگر که الان درباره‌اش صحبت کردم دقیقاً شامل این می‌شود، چرا که در بین شما قرار نیست تضادهایی در خصوص حق مؤلف باشد. موضوع این است که چگونه در کار کردن با همدیگر به‌خوبی عمل کنید و چگونه به مسیری نور بیتابانید که دافا برای مردم آینده به‌جای می‌گذارد. تزکیه‌کنندگان نگران موفقیت‌ها و شکست‌ها در این دنیا نیستند؛ این مردم عادی هستند که موفقیت و شکست یا حتی شهرت و ثروت را خیلی جدی می‌گیرند. آنچه مریدان دافا به‌دنبال آن هستند مقام دستیابی واقعی است که از طریق تزکیه حاصل می‌شود و در نتیجه اصلاً به آن چیزهای عادی هیچ اهمیتی نمی‌دهند. هرگاه کسی کاری برای دافا انجام دهد، خدایان با دقت آن را ثبت می‌کنند تا برای آینده به‌جای بماند. در خصوص آنچه اینجا مردم به‌دنبال کسب آن هستند، ما هیچ‌یک از آنها را جستجو نمی‌کنیم و به همین دلیل است که شما، اول در حال تزکیهٔ خود هستید و دوم در حال انجام کارهایی برای موجودات ذی‌شعور هستید. شما در حال نجات موجودات ذی‌شعور هستید و شما در حال هموار کردن مسیر نژاد بشر آینده برای موجودات ذی‌شعور هستید. اما اگر در موسیقی‌ای که خلق می‌کنید می‌خواهید از پودو استفاده کنید، این‌طور نیست که نمی‌توانید این کار را انجام دهید - نکته اصلی این است که شما معنی درونی پودو را درک نکرده‌اید. در آن، کل روندی که استاد از ماقبل تاریخ تا اصلاح فا‌گذر کرد قرار دارد - آیا هیچ قطعهٔ ارکستری می‌تواند آن را دربر بگیرد؟

در خصوص پرسش دوم، این در خصوص ارکستر است. در حال حاضر، امکان ندارد که یک شبه یک ارکستر سمفونی بزرگ درست کنیم و آن اجرا داشته باشد. اما در حال حاضر چند رویکرد متفاوت داریم. در خصوص موسیقی برای اجراهای صحنه مانند رقص و مانند آن، می‌توانید با استفاده از کامپیوتر آن را بسازید تا روی صداها آلات موسیقی سوار شود. به این شکل، یک ویولون می‌تواند چند تا شود و با سوار کردن صدا می‌توانید چندین آلات موسیقی را به‌گونه‌ای استفاده کنید که شبیه یک ارکستر کامل به‌نظر برسد. وقتی مردم بخواهند موسیقی فیلم تولید کنند معمولاً برای کاهش هزینه این کار را انجام می‌دهند. بنابراین این یک رویکرد است. دیگر این که، می‌توانید از کامپیوتر استفاده کنید تا مستقیماً یک اجرای ارکستر را شبیه‌سازی کند. این نیز خوب است. اما کیفیت برخی از چیزها خیلی خوب نیست و فوراً می‌توانید تشخیص دهید که این الکترونیکی است. از آنجا که شبیه‌سازی است، مطمئن شوید که شبیه‌سازی‌تان تا حد امکان شبیه واقعی باشد. همگی شما که نوازنده هستید این را درک می‌کنید، چرا که همگی باید دانشی دربارهٔ ویژگی‌های آلات موسیقی داشته باشید. البته هر اندازه هم که شبیه‌سازی شبیه واقعی باشد، افراد حرفه‌ای می‌توانند تفاوت را تشخیص دهند، گرچه شنوندگان عادی نمی‌توانند آن را تشخیص دهند. (افراد می‌خندند) این دو رویکرد را می‌توانید برگزینید. پرسش سوم دربارهٔ موسیقی شنیده‌شده از بعدها دیگر است. اگر واقعاً می‌توانید آن را بسازید، پس به پیش بروید، اما فکر می‌کنم کلاً انجام آن سخت خواهد بود. زیرا وقتی خودتان در بعدها بالاتر نیستید، آلات موسیقی ساخته‌شده از ماده ذره‌بینی‌تر را ندارید و در نتیجه نمی‌توانید آن صوت را بوجود آورید. به‌علاوه، خود صدا انتقال یک میدان مادی است و بدون یک میدان مادی ساخته‌شده از مادهٔ بعدها بالاتر، آن احساس مقدس بودن [که در آنجا وجود دارد] وجود نخواهد داشت.

میرید می‌پرسد: آیا پودو و جی‌شی می‌توانند در موسیقی‌مان ترکیب شوند؟

**معلم:** پودو و جی‌شی... اولین پرسشی که درباره‌اش صحبت کردم این بود و [گفتم] موضوعی در خصوص حق مؤلف وجود ندارد. بجز دو قطعه موسیقی که برای تمرین‌های‌تان استفاده می‌کنید و جای دیگری نباید استفاده شوند، سایر قطعات می‌توانند استفاده شوند؛ و به این منظور هستند که در موقعیت‌هایی که نیاز هستند استفاده شوند، بنابراین مشکلی نیست.

موسیقی تمرین مطلقاً نمی‌تواند جای دیگری استفاده شود، چراکه ارتباطش با تزکیه در معرض خطر قرار می‌گیرد. آن نمی‌تواند با سایر موسیقی‌ها تلفیق شود. درخصوص سایر آهنگ‌ها، گرچه مریدان دافا آنها را ساختند، هر چه باشد برای مردم عادی هستند. درخصوص پودو و جی‌شی، باید بدانید چه معانی درونی را به‌تصویر می‌کشند. جادادن کیهان در یک تخم مرغ درست نیست.

مرید می‌پرسد: اگر کیفیت موسیقی تمرین خراب شود، آیا می‌توانیم در زمانی آن را دوباره ضبط کنیم؟

**معلم:** انجام آن اشکالی ندارد. مشکلی در بهبود کیفیت آن وجود ندارد.

مرید می‌پرسد: وقتی موسیقی را سینتی‌سایز می‌کنیم، بهتر است آن را طوری انجام دهیم که صدایی واقعی‌تر بدهد. این بدین معنی است که نیاز داریم تجهیزات نسبتاً خوبی بخریم و بودجه خاصی نیاز داریم.

**معلم:** الزاماً این‌گونه نیست. برخی از نرم‌افزارهای کامپیوتری ساده، ارزان هستند و می‌توانید آنها را از چین بخرید. (افراد می‌خندند) کیفیت آن قابل قبول است اما ارزان است.

مرید می‌پرسد: اگر بخواهیم بلندمدت نسبت به مسائل فکر کنیم، آیا درست است که یک وام بگیریم تا کامپیوتر بهتری خریداری کنیم؟

**معلم:** می‌توانید به رویکردهای خودتان فکر کنید. اما یک نکته است، اینکه استاد هرگز به شما نگفته که وقتی شرایط، اجازه کاری را نمی‌دهد، اصرار به انجام آن داشته باشید. قطعاً باید مطابق با ظرفیت خودتان کارها را انجام دهید، وگرنه، با اینکه انگیزه‌تان ممکن است خوب باشد، اما هنوز هم رفتن به افراط است. اگر برای زندگی روزانه‌تان سختی ایجاد کنید، اگر از هر نظر، کارها را برای خود سخت سازید، آنگاه برای‌تان سخت‌تر خواهد شد که کارهای مقرر شده برای مریدان دافا را انجام دهید. برای خودتان مسائل را مشکل نسازید.

مرید می‌پرسد: برای کنسرت، یک جونگ‌روآن و یک داروآن خریدیم. وقتی آنها را می‌خریدیم متوجه شدیم که فروشگاه موسیقی یک پپیا از دورهٔ چینگ دارد. وقتی برای ما تشریح کرد متوجه شدیم که سیم‌های استفاده شده در آلات قبل از دوران مدرن از سیم‌های امروزه متفاوت است. امروزه آنها سیم‌های استیل دارند، درحالی که در دوران باستان متفاوت بودند. حالا کمی صدای‌شان بلندتر است.

**معلم:** در دوران قدیم آنها از سیم‌های ابریشمی و سیم‌های تاندون گوسفند استفاده می‌کردند. محیطی که انسان در گذشته داشت شلوغ و پر سر و صدا نبود، ذهن مردم خیلی ساکت بود و اگر در آن زمان از سیم‌های ابریشمی استفاده می‌کردید به‌نظر نمی‌رسید صدای آن برای مردم آهسته باشد. زیرا در قدیم آلات مدرن موسیقی غربی را نداشتند، درحالی که امروزه وقتی مردم آهنگ می‌سازند می‌خواهند با شرایط فعلی این کار را انجام دهند. در زمان‌های دور، همیشه سیم‌های ابریشمی یا تاندونی بود و موضوع این نبود که ابزار ساخته‌شده تکنولوژی مدرن نداشتند؛ بلکه بیشتر به حال و هوای دوران قدیم مربوط می‌شد. آنچه اکنون می‌خواهیم انجام دهیم این است که به مسیر خودمان نور بتابانیم، نه اینکه آلات موسیقی‌مان را به شکل باستان برگردانیم. امروز شرایط و موقعیت انسان این‌گونه است و انتخاب دیگری نداریم جز اینکه از ابزار امروزی استفاده کنیم.

مرید می‌پرسد: اگر بخواهیم برای رویداد سال جدیدمان پخش زندهٔ سراسری داشته باشیم، درحال حاضر احتمالاً تجهیزات مورد نیاز را نداریم. اما اگر الان بخواهیم برای آماده کردن آنها اقدام کنیم طوری که سال جدید پخش زندهٔ سراسری...

**معلم:** این‌گونه می‌بینم: ما فاقد این شرایط هستیم و پخش زندهٔ سراسری امکان‌پذیر نیست. و اگر همه را به ایالات متحده می‌آوردیم و همه افراد با استعدادمان را برای یک رویداد جمع می‌کردیم، انجام آن سخت می‌بود. زیرا برخی مجبورند کار

کنند یا به اداره بروند، یا نمی‌توانند از خانواده دور شوند یا اینکه مشکلات زیادی از نظر مالی وجود دارد- همه نوع مشکلاتی وجود دارد. اما اگر می‌توانستید برنامه‌های هنری از هر منطقه را کنار هم قرار داده و یک دی‌وی‌دی درست کنید، تا همه را کنار هم بگذارید و همه را تلفیق کنید، آن عملی می‌بود. امروزه با استفاده از کامپیوتر می‌توانید واقعاً آن را به‌گونه‌ای درست کنید که واقع‌گرایانه به‌نظر برسد.

*مرید می‌پرسد: [درک می‌کنم که] می‌توانیم موسیقی یکدیگر را به اشتراک بگذاریم، اما وقتی به موضوع دنیای خارج برسد، آیا مسئله حق مؤلف وجود دارد؟ برای روشن شدن منظورم، چهار سال پیش وقتی یک برنامه فالون گونگ ساختم از پودو و جی‌شی استفاده کردم. یک کارگردان تلویزیون واقعاً از این موسیقی خوشش آمد و گفت که باورنکردنی است. از ما خواست که آن را به آن ایستگاه بدهیم و ما نیز این کار را کردیم.*

**معلم:** این کار خیلی مناسب نبود. همچنین، مردم قدر آن را نخواهند دانست. اگر آن را بی‌ملاحظه استفاده کند چه؟ ما وقت نداریم مراقب کارهایی باشیم که مردم عادی با آنچه برای آنها می‌سازیم انجام می‌دهند، اما این درست نیست که پودو و جی‌شی را برای استفاده همین‌طوری به مردم عادی بدهیم. سایر چیزها اشکالی ندارد. به‌طور کلی بگوییم موضوعی درخصوص آهنگ‌هایی که مریدان دافا می‌سازند وجود ندارد، به‌استثنای این دو قطعه.

درخصوص حق مؤلف، آیا می‌دانید در طول سال‌هایی که فا را اشاعه می‌دادم چگونه کارها را انجام می‌دادیم؟ مجبور شدیم از میان سختی زیادی بگذریم تا جوآن فالون را به‌طور قانونی چاپ کنیم. یک ناشر آن را چاپ کرد، اما پس گذشت مدتی از چاپ آن، ناشر تحت فشار قرار گرفت و آن را متوقف کرد. اما آنها می‌دانستند که این کتاب واقعاً سودآور است و نمی‌خواستند به قراردادی که با من داشتند برگردند. و شاگردان بسیاری بودند که کتاب را نیاز داشتند و نگران شدند. و چه کار می‌توانستیم انجام دهیم؟ شاگردان بسیار زیادی در حال یاد گرفتن این روش بودند و تعداد شاگردان در محل‌های تمرین در حال افزایش بود، اما کتابی نداشتند. عرضه کتابها کم بود. در آن زمان بود که چاپ کردن نسخه‌های بدون اجازه مؤلف در سراسر کشور شروع شد و همه جا این کار را می‌کردند. تا وقتی که حتی یک حرف من را تغییر نمی‌دادند و کیفیت را تضمین می‌کردند، اهمیتی نمی‌دادم. هر چه باشد مردم زندگی می‌کنند که پول بدست بیاورند و خوبی و مشکلات درخصوص آنچه انجام می‌دادند هم‌دیگر را خنثی می‌کردند، از این‌رو اگر از آن پول درمی‌آوردند به آن اهمیتی نمی‌دادم. هر چه باشد بسیاری از کارهای مریدان دافای ما برای این است که به مردم داده شود. تا وقتی که کسی بتواند قدر آن را بداند، آن را بی‌ملاحظه تغییر یا مورد استفاده قرار نخواهد داد. اگر آن را تغییر دهد باید او را پیدا کنید، چراکه هنوز هم به حق مؤلف پایبند هستیم.

*مرید می‌پرسد: آهنگ‌های خوب می‌توانند روی نسل‌هایی از مردم تأثیر بگذارند و تا امروز نیز هنوز معروف هستند.*

**معلم:** می‌دانید، چگونه است که یک موسیقی‌دان با استعداد می‌تواند چنین آهنگ‌های با کیفیتی بسازد؟ و چگونه است که می‌تواند چنین شهرت ماندگاری داشته باشد؟ صرفاً این‌طور نیست که ملودی‌ها عالی هستند. معانی ضمنی یک قطعه موسیقی از شخصیت خوب یک فرد، تجارب غنی زندگی‌اش و استعداد مادرزادی‌اش می‌آید. این جنبه بشری آن است. زندگی یک تزکیه‌کننده تغییر کرده است و بیشتر اینکه، او فراتر از سطح موجودات بشری عادی می‌رود. مریدان دافا، وقتی قادر باشید به‌طور واقعی به مسیر خود را نور بتابانید، مردم کارهای شما را حتی بیش از کارهای آن موسیقی‌دانان مشهور درمیان مردم عادی مورد تکریم قرار خواهند داد. آنها شهرتی ماندگار خواهند داشت و برای هزار نسل این‌گونه خواهد بود. زیرا شما مریدان دافا هستید، و مسیرتان درست است، بنابراین آنچه درست می‌کنید آن چیزی خواهد بود که بشریت برای همیشه از آن یاد خواهد گرفت و آن را مورد استفاده قرار خواهد داد. (تسویق)

*مرید می‌پرسد: استاد، مایلم بپرسم که آیا سرشت خواندن پاپ اهریمنی است؟*

**معلم:** شیوه خواندن عامه‌پسند صرفاً آواز مردم معمولی است و نیاز ندارد برای اجرای آواز شیوه رسمی داشته باشد. آوازهای مردمی هر کشور در طول سال‌ها به این شکل منتقل شده است و برای همه گروه‌های قومی صحت دارد. اما این روزها، مردم آنها را به شکل سیستم موسیقی معاصر استاندارد کرده‌اند و رنگ و بوی مدرنیست به آن اضافه کرده و آن را به چیزی بدطعم تبدیل کرده‌اند، تخلیه کردن سرشت اهریمنی - حتی تا حدی که چیزهای زشت و رکیک دارند که چیزی آشفته هستند. بسیاری از افراد جوان به دنبال این چیزها هستند. بدون توجه به اینکه چه نوع آوازی باشد، همیشه می‌توانید از چیزهای خوب در آن اقتباس کنید. اما مجبورید مسیر خود را بیمایید.

مرید می‌پرسد: استاد، فکر می‌کنم در آوازهایی [ که ما ] امروزه می‌سازیم دو گرایش وجود دارد. یکی اینکه آنها چیزهایی را می‌خوانند که ارتباطی با تزکیه‌مان دارد و دیگری این است که، برای اینکه مردم عادی آنچه می‌شنوند را درک کنند، حتی چیزهایی مانند «فالون دافا خوب است» نمی‌توانند در آوازه‌ها ذکر شوند. فکر نمی‌کنم این درست باشد.

**معلم:** اعتباربخشی به فا چیزی است که مریدان دافا قطعاً باید انجام دهند (و چیز اشتباهی در این خصوص وجود ندارد). بنابراین وقتی موسیقی می‌سازید باید نجات موجودات ذی‌شعور، روشنگری حقیقت و تحسین مریدان دافا را هدف خود در نظر بگیرید. البته، اگر درباره نمایش تلویزیونی صحبت می‌کنیم، و می‌خواهید کمی موسیقی احساسی به داستان نمایش یا نمایش روی صحنه اضافه کنید، پس آن مشکلی نیست. هر چه باشد نمایش‌های تلویزیونی برنامه‌های سرگرم‌کننده هستند و برای طیفی از مخاطبان ساخته می‌شوند که نگاه کنند - مخصوصاً بینندگان عادی. البته، در خصوص محتوای ترکیب موسیقی، برخی به خاطر الزام ماجرای داستان یا به خاطر اینکه ماجرای زندگی بسیاری از مردم عادی [به تصویر کشیده می‌شود]، هیچ ارتباطی با مریدان دافا ندارند. آنگاه آیا بدین معنی است که نمی‌خواهید آنها را بنویسید؟ هنوز باید آنها را بنویسید، هنوز باید آنها را تولید کنید. و در واقع، هر موردی که باشد، آنها چیزهایی خواهند بود که مریدان دافا تولید کرده‌اند و آنها متفاوت خواهند بود. وقتی آن چیزی باشد که به طور واقعی دافا و مریدان دافا را به شکل مستقیم و مثبتی به تصویر می‌کشد، چیزهای دافا هنوز هم باید تم آنها باشد. اگر شما، که مرید دافا هستید، دافا را در نظر نگیرید، و صرفاً بخواهید کارهای مردم عادی بسازید، پس شما یک فرد عادی هستید. مسئولیت مریدان دافا این است که موجودات ذی‌شعور را نجات دهند و به فا اعتبار ببخشند. سخت نیست که این چیزها را مد نظر قرار دهید.

مرید می‌پرسد: معلم، مایلیم چیزی بپرسم گرچه مطمئن نیستم که مناسب باشد. آیا این طور به نظر نمی‌رسد که از وقتی ح.ک.چ قدرت در چین را بدست گرفته، این حزب شیطان‌ی اغلب از طبل‌های کمری استفاده کرده است؟

**معلم:** می‌توانم به شما بگویم که طبل کمری تاریخی تقریباً هزار ساله در چین دارد و آن شکلی از فرهنگ است که از مناطقی از چین غربی و دشت شان‌شی مرکزی منتقل شده است. در خصوص طبل‌های کمری صحبت کنیم، می‌دانم که شکل دیگری از طبل نیز وجود دارد. شما دیده‌اید که در استان شان‌شی نوعی طبل در این اندازه وجود دارد، که قطر آن حدود چهل و پنج سانتی‌متر است، که فقط آقایان استفاده می‌کنند و وقتی نواخته می‌شود نوایی حقیقی دارد. آیا هیچیک از افرادی که اینجا رقصنده هستند درباره این نوع آگاهی دارند؟ شما می‌توانید آن را نیز استفاده کنید، آن نیز خوب است. می‌دانید؟ وقتی در ابتدا در نیویورک از طبل کمری استفاده کردید، بسیاری از افراد گفتند، «چینی‌ها آمده‌اند.» احساس کردند که اینها، مردم چینی واقعی هستند که آمده‌اند. حزب پلید از چیزهای متعلق به فرهنگ چین استفاده می‌کند تا خود را باشکوه جلوه دهد. اما آنها مطمئناً چیزهایی متعلق به ح.ک.چ پلید نیستند. آن حزب، روحی از غرب است، یک روح شیطان‌ی. (استاد می‌خندند)

مرید می‌پرسد: فرض کنید می‌خواهیم موسیقی‌های گوش‌نواز منتشر کنیم، مانند مجموعه خاصی از موسیقی اره‌سو، آیا مناسب است که هنگام تنظیم این موسیقی، چیزهای شرقی و غربی را ترکیب کنیم؟

**معلم:** ایده‌ای که بیان کردم این بود که می‌توانید از هر چه خوب است اقتباس کنید. بنابراین شیوه تنظیم موسیقی که آنها در غرب دارند یا تئوری موسیقی‌شان برای استفاده اشکالی ندارد. اگر بگویید که می‌خواهید آن چیزها را در مقایسه کامل بیابید، مثلاً، نیمی چینی، نیمی غربی، آنگاه این خوب نیست. این در باره این است که چگونه به مسیر خودتان نور بتابانید. فکر می‌کنم که موسیقی غربی و موسیقی آسیایی پایه‌گذاری شده در فرهنگ‌های این چرخه از نژاد بشری، هر دو چیزهای خوبی هستند. بدون توجه به اینکه چه نژادی باشد، وقتی هر یک اینجا پایین آمدند و وارد دنیای بشری شدند، در ابتدا در چین متولد شدند. بعد، پس از گذشت یک سلسله، چین را [به مقصد] مکان‌هایی در سراسر دنیا ترک کردند. پس چیزهای مربوط به چین به وسیله چه کسانی باقی گذاشته شد؟ به وسیله خدایان، از فرهنگ‌های سلسله‌های گوناگون، و از مردم کل دنیا. قبلاً درباره این چیزها صحبت کرده‌ام. آنچه در حال انجام آن هستید، انتخاب کردن است، برگزیدن چیزهای خوب از میراثی که تاریخ به ما داده است.

*مرید می‌پرسد: آهنگ‌های مردمی محلی استان‌های شان‌شی و شن‌شی حدود ۸۰ درصد تمام آهنگ‌های مردمی چین را می‌سازد. ملودی‌های اصلی موسیقی آنجا به‌طور خاصی زیبا هستند. از سال ۱۹۴۹ برخی از متن سرودها منحرف شده‌اند، اما موسیقی و ملودی‌های اصلی عالی هستند. مطمئن نیستم که آیا درست است [که این‌گونه فکر می‌کنم]. ممکن است استاد کمی در این زمینه صحبت کنند تا ذهن‌ام آسوده شود؟*

**معلم:** درخصوص برخی از آهنگ‌های مردمی از شن‌شی شمالی و شان‌شی، بسیاری از ملودی‌ها، چیزهایی از چین باستان هستند.

اکثر صحبت‌مان تاکنون درباره موسیقی بوده است. خلق هنرهای نمایشی نیز باید به پای آن برسد. به‌طور کلی صحبت کنیم، مجموعه یک برنامه سرگرمی شامگاهی، شامل رقص گروهی می‌شود و بدون آن، یکنواخت یا خسته‌کننده به‌نظر می‌رسد. اگر یک برنامه هنری شامگاهی روی صحنه، شامل رقص نباشد، آنگاه واقعاً نمی‌تواند یک سرگرمی شامگاهی به حساب بیاید. پس نیاز داریم در این باره بیندیشیم که چگونه می‌توانیم این حوزه را بررسی کنیم و راهی پیدا کنیم. در گذشته برنامه‌های سرگرمی شامگاهی با گروه‌های آواز و رقص در چین غربی دیده‌ام، آنجا چیزهایی از فرهنگ باستان را اجرا می‌کنند و موارد از فرهنگ تاریخی زیاد بودند. می‌توانید به آن چیزها نگاه کنید، اما از نمونه کسی دیگر، کاملاً پیروی نکنید. به مسیر متعلق به خودتان نور بتابانید.

*مرید می‌پرسد: باید چه کار کنیم تا درخصوص ایستگاه تلویزیونی بهتر هماهنگی کنیم؟ این را می‌پرسم زیرا همگی در اطراف دنیا پراکنده هستیم.*

**معلم:** برای شما راحت نیست که کنار هم جمع شوید و هماهنگی مسائل سخت است. اما می‌توانید از کامپیوتر، فکس و تلفن استفاده کنید و می‌توانید درباره بسیاری از کارها گفتگو کنید. از اینها استفاده کنید. همگی از هم دور و در سراسر دنیا هستید. سخت است که همگی گردهم بیایید. چیز خوب این است که پس از جلسه امروز می‌دانید که چگونه به امور بپردازید و می‌توانید مسیری برای برگزیدن طرح‌ریزی کنید. و درواقع همگی توانایی‌های نهفته‌ای دارید [که باید کشف شود].

*مرید می‌پرسد: گروه موسیقی ما می‌خواهد در سراسر اتریش برنامه اجرا کند. اگر تعداد آهنگ‌های ما کافی نباشد آیا می‌توانیم به‌عنوان مریدان دافا آهنگ‌های کلاسیک مردم عادی را اجرا کنیم؟ برای مثال، درخصوص آثار موتزارت یا شوپن چطور؟*

**معلم:** مشکلی نیست. مدت‌هاست که گفته‌ام موسیقی کلاسیک اشکالی ندارد. می‌توانید با احتیاط از آثار قبل از انقلاب فرهنگی استفاده کنید - فقط مطمئن شوید که آنها عاری از فرهنگ حزب باشند. اصولاً هر چیزی که قبل از دوره حزب پلید

باشد می‌تواند استفاده شود. هیچ چیزی از این دوران این مستبد استفاده نکنید، چراکه درون آنها سرشار از پلیدی است؛ در طول این دوره، بشریت تحت کنترل اهریمنان بوده است.

مرید می‌پرسد: اگر نتوانیم از موسیقی ساخته شده در دههٔ اخیر یا قبل‌تر تحت کنترل آن مستبد استفاده کنیم، درخصوص برنامه‌های تلویزیونی یا فیلم‌های آن دوره چطور، آیا باید آنها را نیز استفاده نکنیم؟

**معلم:** فکر می‌کنم هیچ یک از چیزهای آن دوره خوب نیست. در پشت آنها عواملی از هر نوع اشباح فاسد وجود دارد که مردم را کنترل می‌کنند.

مرید می‌پرسد: ما هم اکنون برخی آوازا را داریم. برای ایجاد یک ارکستر یا یک گروه کوچک، کدام آهنگ را باید به‌عنوان تم موسیقی برگزینیم؟

**معلم:** چیزهایی که شامل جزئیات می‌شوند مانند این را خودتان باید درباره‌شان فکر کنید. اینها نباید مشکلی باشند.

مرید می‌پرسد: اخیراً یک شاگرد غربی در ایستگاه تلویزیونی مان چند موزیک ویدئو ساخت، اما آنچه او ساخت به سبک موسیقی معاصر بود که مناسب برای گیتار و گیتار برقی بود.

**معلم:** اشکالی ندارد. ایستگاه تلویزیونی جای پای در اجتماع عادی دارد و برای مردم عادی معمولی است. بنابراین آلات موسیقی الکترونیکی نیز برای استفاده خوب هستند. میدان دافا باید در مسیر تزکیه‌ای که برمی‌گزینند، به‌خوبی عملی کنند و صالح باشند، اما وقتی به کارهای عادی می‌رسد، صرفاً باید سخت تلاش کنید تا کمی بهتر از معمول انجام دهید. برنامه‌های تلویزیونی ما برای مخاطبینی است که مردم عادی هستند. اکنون زمانی نیست که فاندنیای بشری را اصلاح کند، بلکه مرحله‌ای است که میدان دافا تزکیه می‌کند، حقیقت را روشن و این آزار و شکنجه را افشاء می‌کنند. درحال حاضر مشکلی درخصوص [آنچه توصیف کردید] وجود ندارد.

اینجا چه کسی تنظیم موسیقی را می‌داند؟ دست‌تان را بالا ببرید. بسیار خوب، همه نگاهی بیندازید - مخصوصاً آنهایی که از ایستگاه تلویزیون هستند. هرگاه نمایش‌های شما به موسیقی نیاز داشت می‌توانید سراغ این افراد بروید. و هر کسی که می‌داند چگونه تنظیم کند، می‌تواند آهنگ نیز بنویسد.

نگاه کنید - تعداد کمی وجود دارند. و می‌دانم که افراد بیشتری هستند که اینجا نیستند اما خیلی ماهر هستند و اجازه دهید آنها نیز سهم خود را اجرا کنند. اگر افراد نتوانند در اولین تلاش‌شان خوب عمل کنند، ایراد نگیرید. با نیت خوب می‌توانید از طریق صحبت و تبادل نظر باهمدیگر رشد کنید و هر یک به‌تدریج در این مسیر به‌بلوغ می‌رسید؛ وقتی تازه شروع کرده باشید احتمال دارد به‌خوبی پیش نرود. بنابراین نه‌تنها باید آثار خود را تولید کنید، بلکه بعداً باید تولیدات را نیز افزایش دهید. (استاد می‌خندند) برای مثال، شاید چیزی را تولید کنید و سپس فکر کنید که همه چیز انجام شد و احساس رضایت داشته باشید - «من آن را انجام دادم.» این خوب نیست. اگر یک مرید دافا فقط یک نفر را نجات دهد، آیا به این معنی است که کار را انجام داده است؟ خیر، این‌گونه نیست. باید تعداد زیادی را نجات دهید.

مرید می‌پرسد: استاد، مایلیم چیزی بپرسم که در ارتباط با فا است. بودا شاکيامونی از طریق تزکیه در صدها میلیون سال پیش به داتو نائل شد، اما زمین ما فقط دو چرخه زمین داشته است، که هر یک ۱۰۰ میلیون سال طول کشیده است. پس آیا بدین معنی است که...

**معلم:** آن در روی زمین نبود که بودا شاکيامونی قبلاً تزکیه‌اش را انجام داد. (افراد می‌خندند) بودا شاکيامونی به این دنیا آمد تا مردم را نجات دهد. در آسمان‌ها او یک خدا است، و مدت‌هاست که داتو را کسب کرده است. [آمدن او] در آن زمان برای

اعتباربخشی به مقام دستیابی تاتاگاتا و ارائه فرهنگ بودیست به بشریت بود. بسیاری از داستان‌هایی که بودا شاکيامونی گفت دربارهٔ امور در آسمان‌ها بود، نه امور روی این زمین. آیا نگفته‌ام که وقتی یک موجود بشری نگاه می‌کند که یک بودا آنجا نشسته بسیار مقدس است، اما وقتی یک بودا به یک بودا نگاه می‌کند این‌گونه نیست. آنها بخشی از اجتماع گروهی خدایان هستند.

وقت محدود است، بنابراین باید جلسهٔ امروز را به اتمام برسانیم. شما مریدان دافا هستید، بنابراین مطمئنم که می‌توانید به‌خوبی عمل کنید. منتظر شنیدم خبرهای خوبی از شما هستم. (تشویق)

یادداشت: به‌خاطر موارد مربوط به ضبط صدا، فقط این اندازه گردآوری شده است.